

مهم‌ترین مضامین ادعیه شیعی و مسیحی

مهراب صادق‌نیا*

فاطمه قربانی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸]

چکیده

دیدگاه عمومی این است که دعا ابزاری است برای درخواست از خدا و برآورده شدن نیازهای آدمی. حال آنکه در همه ادیان و به‌ویژه ادیان ابراهیمی دعا فراتر از درخواست و نشان‌دهنده باورداشتهای انسان و ادیان راجع به خدا است. بررسی ادبیات دعایی در اسلام و مسیحیت نشان می‌دهد دعا و جوهی فراتر از درخواست دارد. هم در اسلام و هم در مسیحیت دعا، تجربه ناب عرفانی و مقدس معرفی می‌شود. دعا پیوندی ناگسستنی با الاهیات دارد و بسیاری از اندیشه‌های الاهیاتی اسلام و مسیحیت در دعا بازنمایی و بازسازی شده است. از سوی دیگر، ماهیت دعا ارتباط و گفت‌وگو با خداوند است و اگر این ارتباط، صرف به زبان آوردن کلمات و واژگانی بی‌روح نباشد و مواجهه و ارتباطی پویا و متقابل را در بر بگیرد این گفت‌وگو به‌درستی صورت گرفته است. این گفت‌وگو که صمیمانه و دوسویه است از سطح ارتباط من- او خارج می‌شود و به ارتباط من- تو می‌رسد. بر این اساس، انسان خدا را همواره در کنار و مخاطب خود می‌داند و در قالب دعا این گفتمان صمیمانه را به نمایش می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: دعا، ادعیه اسلامی، ادعیه مسیحی، گفت‌وگو، ارتباط من- تو.

مقدمه

دعا در ادیان، به ویژه در ادیان ابراهیمی، صرفاً خواهش و تمنای انسان از خدا نیست؛ بلکه در حقیقت روایتگر رابطه انسان و خدا، و نیز شناختی است که این ادیان از خدا به دست می‌دهند. بر این اساس، دعا را باید انعکاس الاهیات این ادیان و آموزه‌های آنها درباره رابطه خدا و انسان دانست. یکی از مصادیق عینی شدن ایمان در ادیان ابراهیمی دعا است. از سوی دیگر، دعا بخش مهمی از رفتار دینی مؤمنان این ادیان است. آنها معمولاً به انجام دادن نیایش‌های روزانه خاص دعوت می‌شوند و بر رابطه خود با خدا تأکید می‌کنند. شاید به همین دلیل است که ادبیات دعایی این ادیان غنی و شایسته مطالعه است.

از مسائلی که اهمیت و ضرورت موضوع را نمایان می‌سازد، جایگاه دعا و ارتباط با خدا در زندگی انسان است، به گونه‌ای که دعا و پرستش بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات معنوی فرد مؤمن است و نقشی حیاتی در رشد شخصیت روحانی او دارد. در واقع، فردی که برای دعا وقت کافی صرف نمی‌کند و در برنامه روزانه‌اش زمانی مشخص به دعا اختصاص نمی‌دهد، نمی‌تواند زندگی پیروزمندانه و شخصیت بالغی داشته باشد. پس دعا را می‌توان مهم‌ترین بخش زندگی روحانی شخص مؤمن دانست، به این معنا که اگر مهم‌ترین هدف آفرینش انسان را ارتباط با خدا بدانیم، دعا فرصتی برای این ارتباط است و به این هدف تحقق می‌بخشد. در این مقاله می‌کوشیم با تبیین جایگاه دعا و ماهیت آن و پیوندش با اندیشه‌ها و الاهیات اسلامی و الاهیات مسیحی به سطح خاصی از رابطه با خداوند اشاره، و نوع این ارتباط را روشن کنیم.

دعا

«دعا» از ریشه «دَعَوَ» است و معانی متعددی دارد. ولی معنای اصلی و حقیقی‌اش خواندن و صداکردن است؛ و در اصطلاح عبارت است از خدا را «خواندن» و به سوی او میل و رغبت پیداکردن و با او «رابطه برقرارکردن»؛ خواه این رابطه در قالب «اقرار» باشد یا ستایش، تمجید، تسبیح، درخواست یا طلب آمرزش و استغفار (ابن‌منظور، ۱۴۲۶: ۲۵۷/۱). ابن‌فارس ذیل کلمه «دعا» می‌گوید: «الدَّعَاءُ أَنْ تَمِيلَ الشَّيْءَ إِلَيْكَ بِصَوْتٍ وَ كَلَامٍ يَكُونُ مَنكُ؛ دعا آن است که کسی را با صدا و کلام خود متوجه خود کنی» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۲۷۹/۲). در تفسیر المیزان در تعریف دعا آمده است: «دعا آن است که از طلب

برخیزد و زبان فطرت آن را طلب کند، نه اینکه زبان هر طور خواست حرکت کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳/۲، ذیل تفسیر آیه ۱۸۶ بقره).

شاید بتوان از مجموع تعریف‌های ذکرشده بهترین و جامع‌ترین آنها را «طلب» به معنای عام آن دانست که شامل تمامی اقسام دعا نیز می‌شود. بنابراین، دعا به معنای خواندن و صدازدن خداوند و ارتباط با او است. از این رو به هیچ وجه محدود به «حاجت‌خواهی» نیست، بلکه مطلق خواندن و سخن گفتن با خدا است. قرآن بهترین آموزنده و دقیق‌ترین راهنما، با زیباترین اسلوب است و جامع‌ترین دعاها را بیان کرده است؛ هدفی فراتر از نیازخواهی در بطن خود به همراه دارد و اهتمام قرآن مجید به دعا، جلوه‌های گوناگونی دارد، تا آنجا که در آیه انتهایی سوره فرقان می‌فرماید: «بگو پروردگرم به شما اعتنایی ندارد اگر دعای شما نباشد». از همین آیه نقش دعا در رابطه بین انسان و خدا روشن می‌شود. گویا اعتنای خداوند به بنده خویش فقط به واسطه دعاکردن است و اگر انسان دست نیاز به سوی درگاه بی‌نیاز دراز کند مقتضی لطف و کرم او می‌شود.

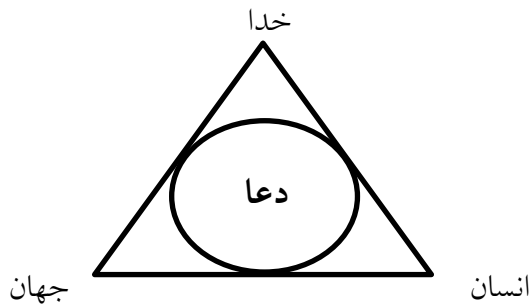
در مسیحیت و منابع انگلیسی دعا معادل prayer آمده است، که در لغت به معنای مخاطب قراردادن خدا و در اصطلاح همان دعا است. در سنت مسیحی، دعا از گفت‌وگو و ارتباط با خدا فراتر رفته و به نوعی متحدشدن با او رسیده است. از این رو فقط به درخواست محدود نمی‌شود بلکه سپاس، ستایش، اعتراف و دیگر جنبه‌ها را نیز به همراه دارد. در سنت مسیحی، هدف نهایی از دعا، فقط خواستن نیست بلکه تجلیل و ستایش نام خداوند نیز هست. دیدگاه کتاب مقدس در باب دعا نیز مؤید این مسئله است. بر اساس کتاب مقدس، دعا صرفاً فعالیتی بشری نیست، بلکه گفت‌وگویی شخصی با خداوند حی و راستین است. دعا از سوی انسان آغاز نمی‌شود بلکه خدا آغازگر دعا است. خدا در انسان ایجاد انگیزه می‌کند تا آنچه را خوشایند او است، بخواهد و انجام دهد (فیلیپیان ۲: ۱۲ و ۱۳)؛ و او محرک ما برای دعاکردن است (Spear, 2002: 29, 30). لذا دعا فقط تسلیم‌شدن به ندای الاهی است (Lacoste, 2005: 1369) همان‌گونه که عیسی مسیح فرمود: «همه افکار، آرزوها و تمایلات ما از قلب‌های ما برمی‌آیند. دعا به ما کمک می‌کند تا قلب‌هایمان را به سوی خداوند بگشاییم تا او به واسطه روح القدس ما را التیام بخشد و تقویت کند. قلب جایی است که خداوند ما را لمس می‌کند. اگر ما با ایمان، امید و محبت زندگی کنیم، قلب محل سکونت خداوند می‌شود» (Foster, 1999: 3).

فربه‌تر از خواستن

بعد از بررسی مفهومی «دعا» در اسلام و مسیحیت با توجه به این نکته که دعا فراتر از نیازخواهی است، به مسائلی فراتر از دعا اشاره می‌کنیم. هنگامی که فرد زبان به دعا می‌گشاید از واژه‌هایی استفاده می‌کند و این واژه‌ها مستقیماً موقعیت‌های بیرونی را نشان نمی‌دهد بلکه زبان به طور مستقیم پردازش‌گوینده از آن موقعیت‌ها یا تعبیر او از آنها را نشان می‌دهد. هر گوینده‌ای مفهوم‌سازی ویژه‌ای از موقعیت‌ها دارد و اطلاعات خود را در قالب خاصی پردازش می‌کند (قائمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۵-۱۳). در واقع، با تحلیل زبان‌شناختی دعا می‌توان از حوزه‌های مختلف معرفتی نمابرداری کرد و به اندیشه‌هایی که در پس آن است پی برد. به‌راستی دعا در پس خود چه اندیشه‌ای در بر دارد و بیانگر چه دیدگاهی است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت دعا در واقع بیانگر دیدگاه ما راجع به خدا، جهان و انسان است، به طوری که می‌توان گفت: «دعا زبان ایمان و اعتقاد به خداوند است» (Bowden, 2005: 964) و نمایانگر احساسات و طرز تلقی آدمی راجع به موجود یا موجودات الهی و مجرد (بخشنده، ۱۳۸۶: ۶۷). از این‌رو دعا در حقیقت از موضوعات مهم الاهیاتی است. «زیرا این عمل، فهم و درک آدمی از عملکرد خدا را نشان می‌دهد، و در واقع این الاهیات است که در قالب و لفافه دعا می‌آید» (Bowden, 2005: 965). در حقیقت، اعتقاد به خدا و فهم ما از عملکرد او، در دعا آشکار می‌شود؛ تا آنجا که می‌توان گفت دعا، الاهیات تنزل‌یافته است و به قدری این دو با هم پیوند خورده‌اند که جدایی آنها از یکدیگر ممکن نیست.

همان‌طور که بیان شد، دعا بیانگر اندیشه و ذهن و تمایلات آدمی است و ماهیت واقعی آن فقط واژگان نیست؛ چراکه دعای واقعی از قلب‌های ما نشئت می‌گیرد (Foster, 1999: 3) تا آنجا که می‌توان گفت هم اقدام به دعا کردن و هم محتوای دعاها بیانگر ایمان و اعتقادات فرد است. به دعا اقدام کردن، برخاسته از مفاهیم الاهیاتی است. شخصی که دست به دعا برمی‌دارد در واقع ناتوانی خود را تصدیق می‌کند و به شناختی از خود، آگاهی پیدا کرده است، چنان‌که فردی ضعیف و ناتوان است و نمی‌تواند همه نیازهای خود را با تکیه بر توانایی خویش انجام دهد. از سوی دیگر، فرد با مشاهده رویدادها و وقایع جهان و علت و معلول‌های آن، مسبب‌الاسباب و علة‌العلل وقایع هستی را خدا می‌داند و از این‌رو است که دست به دعا برمی‌دارد تا با مسبب همه امور ارتباط برقرار کند؛ چراکه معتقد است دستگاه آفرینش با همه عظمت و نظمی که دارد، در دست

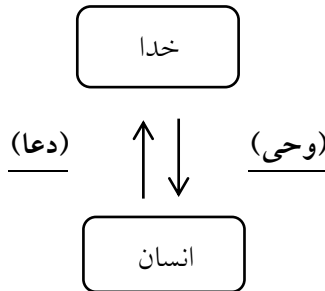
قدرت خداوند است، و شخص می‌تواند با دعا، نیازهای خود را بخواهد. کسی که دعا می‌کند خدا را فرمانروای مطلق هستی و قوانین طبیعی می‌داند، چنانچه اگر این اعتقاد را نداشته باشد دعا هم نمی‌کند. اگر دعا با ایمان همراه باشد نمایانگر صفات ذاتی خدا است که خودش را برای ما آشکار کرده است. به عبارت دیگر، دعا آشکارسازی ماهیت و صفات خدا است و در بطن خود نوعی خداشناسی به همراه دارد. به عبارت دقیق‌تر، شناخت انسان از خود، جهان و خدا در مضامین دعایی منعکس و بازسازی می‌شود.



افزون بر اقدام به دعا، محتوای ادعیه و مضامینی که در آنها به کار برده می‌شود نیز باورداشت‌های دعاکننده را آشکار می‌کند. این مضامین از شناخت او از خودش، جهان، و خدا پرده برمی‌دارد. بر این اساس است که می‌توان گفت بررسی دعا، مطالعه‌ای الاهیاتی است و پیوند و ارتباطی تنگاتنگ با باورداشت، عمل و اخلاق در هر دینی دارد و این سه عنصر ماهیت دین را تشکیل می‌دهد و دعا هسته مرکزی دین و رابطه انسان و خدا است: «الدعا مخ العبادة»؛ یعنی دعا مغز و هسته عبادت است (حلی، ۱۴۲۹: ۳۰).

دعا در این معنا یکی از عناصر اساسی و ذاتی تمام ادیان و از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین مشخصات آنها است که کارکردهای بسیار دارد. در همه سنخ‌های دینی، انسان‌ها به وسیله دعا خود را به قدسی‌ترین و محوری‌ترین کانون دینداری، یعنی خدا، نزدیک می‌کنند. به این دلیل است که می‌توان دعا را وسیله نزدیک شدن و ارتباط با خدا دانست؛ چراکه اگر این ارتباط از میان برداشته شود هیچ راهی برای پیوند این جهان و جهان جاودانی نیست (زویمر، ۱۳۸۷: ۴۱۵). به‌ویژه هنگامی که جهان مادی بشر با آفرینشی تبیین می‌شود که منجر به گسستگی یا جدایی از جهان الهی یا مجرد می‌شود، دعا ابزاری است که به واسطه آن، این گسست حتی برای یک لحظه از میان برداشته می‌شود (بخشنده، ۱۳۸۶: ۶۷) و زندگی مادی آدمی معنایی عمیق، الهی و پایا می‌گیرد.

از سوی دیگر، دعا به معنای تجدید باورداشت‌ها و بازسازی تجربه‌های ناب عرفانی است. دین با همین تجربه‌ها ورز داده شده و تازه و ناب می‌ماند: «دعا آینه‌ای است که در آن احوال و احساسات و تجارب دینی و عرفانی مجال نمود و بروز می‌یابند. تا آنجا که می‌توان گفت دین بدون دعا، دین نیست» (اکرمی، ۱۳۸۷: ۶۱). روح زمین‌گیر شده انسان با دعا دارای تجربه‌های عرفانی ناب‌تری شده و خصلت‌های معنوی و آسمانی می‌یابد. ایزوتسو دعا را این‌گونه تعریف می‌کند: «دعا ارتباطی شفاهی در جهت صعودی از انسان به خدا است، حال آنکه وحی ارتباطی شفاهی در جهت نزولی از خدا به انسان است» (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۲۴۸).



از دیدگاه ایزوتسو، دعا صمیمانه‌ترین محاوره شخصی قلب با خدا است و واکنشی بر وحی الاهی و تصدیق آن و همچنین بیانگر ایمان به او است (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۲۴۸ و ۲۴۹).

مروری کوتاه بر ادبیات ادیان ابراهیمی نشان می‌دهد در این ادیان، دعا اهمیت ویژه‌تری یافته است. دگرگونی مفهوم خداپرستی در این ادیان به توجه عمیق‌تری به دعا انجامید. این ادیان دعا را ابزاری برای ارتباط با خدا شمرده‌اند؛ خدایی که متشخص است؛ اراده دارد و خیرخواهانه دستور می‌دهد و اطاعت را طلب می‌کند و منتظر دریافت درخواست‌ها و نیایش‌ها است و از گفت‌وگو با بنده خویش خشنود می‌شود. در این ادیان، خدا منبع خیر و نیکی تلقی می‌شود و ابزاری برای رسیدن به رستگاری است؛ چراکه ما بدون دعا نمی‌توانیم در برابر وسوسه‌ها و فریب‌ها پایداری کنیم و فیض الاهی را به دست آوریم؛ به گونه‌ای که این ضرورت در همه مراحل زندگی احساس می‌شود. خصوصاً اینکه دعا کردن تکلیف است و بیانگر تقوا و پرهیزگاری است (Hrbermann, 1913, v. 12, p. 347).

بر این اساس است که دعا را نمی‌توان از دین تفکیک کرد. نخستین جلوه‌ها و تجلیات دینداری بشر خود را در دعا نشان داده است. این واقعیت را از توجه عمیق مقدس ادیان و منابع دینی آنها نیز می‌توان فهمید. بخش وسیعی از ادبیات همه ادیان به آداب دعا و مناجات و نیز درون‌مایه‌های بایسته دعا اختصاص یافته است. با توجه به این نکته که ادیان، دعا را جزء ضروری حیات معنوی و موقعیت بشری می‌دانند، ادبیات دعا در ادیان، غنی و شایسته مطالعه است و بررسی آن به مفاهیمی فراتر از آن اشاره دارد.

درون‌مایه‌های دعا‌های اسلامی

حقیقت دعا در اسلام یعنی توجه به خداوند متعال و درخواست رحمت و عنایت او، که در سرشت هر مخلوقی نهفته است و رشته وجود همه مخلوقات به ذات بی‌نیاز او پیوسته است. او پدیدآورنده و پرورش‌دهنده مخلوقات است و تنها پناهگاه، به هنگام سختی و ناتوانی، و امیدبخش، در هنگام آسانی و توانایی است. به عبارت دیگر، دعا مبتنی بر این اعتقاد است که خدا در انجام دادن همه امور توانا است و اگر شخص دعاکننده یقین به اجابت داشته باشد و از همه اسباب و مسبب‌ها غیر از خدا قطع امید کند به رحمت و عنایت خداوند می‌رسد. زیرا خدایی که دعا را اجابت می‌کند خدایی است یکتا، که برای او شریکی نیست (فانی و همکاران، ۱۳۷۸: ۵۱۵/۷).

در اسلام، دعا بیانگر اعتقاد به خداوند و الاهیات اسلامی است. در دعا‌های اسلامی به یکتایی خداوند و صفات او مانند توانایی مطلق، علم مطلق و ... اشاره شده است. این مطالب در قالب ستایش و تقدیس خداوند و ... آمده است. در واقع، دعا نوعی خداشناسی عملی است و خدایی که از این راه شناخته می‌شود غیر از خدایی است که از راه استدلال درک می‌شود. خدایی که از راه دعا شناخته می‌شود خدایی است که بارها با او سخن گفته و گله و شکایت داشته‌ایم و احیاناً خشمگین هم شده‌ایم و چون از او رو برگردانده، خود را در ضلالت و بیچارگی‌ها دیده، و دوباره به او روی آورده و باز هم در حل مشکلات از او یاری جسته‌ایم. خداوندی که چنین درک شود خدایی است محسوس (با حس باطنی) و آن‌قدر به ما نزدیک است که نمی‌توانیم لحظه‌ای او را از خود دور بدانیم. همان‌طور که در اسلام تأکید شده است ما باید نیازهای خود را فقط از او بخواهیم و به سوی او دست به دعا برداریم و از دست به دعا بردن به سوی غیر او سخت بپرهیزیم، که غیر او هر چه باشد نیازمند و محتاج است.

بر این اساس، از دعاها خدانشناسی عملی را نتیجه می‌گیریم. بدین معنا که خدایی را که می‌شناسیم، پرستش هم می‌کنیم؛ چراکه چنین معتقدیم که دستگاه آفرینش با همه عظمت و نظمی که دارد در دست قدرت خداوند است و ما می‌توانیم با دعا نیازهای خود را بخواهیم. در واقع، کسی که دعا می‌کند خدا را فرمانروای مطلق هستی و قوانین طبیعی می‌داند، چنانچه اگر این اعتقاد را نداشته باشد دعا هم نمی‌کند.

دعا از منظر انسان‌شناسی این‌گونه است که یکی از نیازهای روح انسانی ارتباط با موجودی برتر و کامل است و فطرت انسانی، او را به سمت خداوند متعال سوق می‌دهد و روش حرکت در این مسیر و برقراری این ارتباط، همان دعا است که این نیاز مهم روح انسانی را پاسخ می‌دهد و از طرف دیگر عقل حکم می‌کند که دعا برای انسان ضروری است. اما توجه به این نکته نیز ضروری است که برخلاف مسیحیت که قائل به گناه نخستین است اسلام معتقد است انسان‌ها با فطرتی پاک آفریده شده‌اند. البته این بدان معنا نیست که آنها برای رسیدن به رستگاری، بی‌نیاز از فیض و لطف و رحمت او باشند، بلکه برای آمرزش و رسیدن به رستگاری باید از خداوند طلب بخشایش و رحمت کنند.

مهم‌ترین مضامین دعا‌های شیعی

۱. ستایش: ای خدای بردبار بزرگوار! ای زنده ابدی! ای بخشنده گناه و ای پذیرنده توبه! ای بزرگ نعمت و منت! ای احسان‌کننده همیشگی!^۱ (قمی، ۱۳۸۴، دعای ابوحمزه، ص ۳۴۲).
۲. تقدیس: ذکر و یاد تو برتر است از یادشگان (به محاسن و نیکویی‌ها) و نام‌هایت (اسماء‌الحسنی) پاک و پاکیزه است از اینکه حسب و نسب‌داران به آن نامیده شوند^۲ (صحیفه سجادیه، دعای چهاردهم، ۳۹).
۳. تسبیح: پاک و منزهی تو و من از موحدانم (قمی، ۱۳۸۴: ۸۵، دعای عرفه).
۴. تنزیه و پیراسته‌داری: ای آن که نعمت‌هایش را به ازای قیمت‌ها نمی‌فروشد^۳ (صحیفه سجادیه، دعای سوم، ۱۳).
۵. سپاس‌گزاری: و چه بسیار ناپسندها که از من دور کردی و چه بسیار ثنای نیکو که من لایق آن نبودم و تو از من بر زبان‌ها منتشر ساختی^۴ (قمی، ۱۳۸۴: ۱۱۵، دعای کمیل).
۶. اعتراف: ما ارحمک بی مع قبیح فعلی (همان: ۸۰، دعای عرفه).

۷. استغفار: برای آنچه در آن کوتاهی نمودم (گناہانی که به جا آوردم) از تو آمرزش می‌خواهم^۵ (صحیفه سجادیه، دعای دوازدهم، ۱۴).
۸. طلب (درخواست‌ها): پس به بی‌نیازی و عطای خویش نیازمندی ما را برطرف فرما، و ما را به بازداشتن خود ناامید مگردان که بدبخت کرده‌ای کسی را که از تو نیک‌بختی خواسته، و ناامید ساخته‌ای آن را که از احسان تو بخشش طلبیده^۶ (صحیفه سجادیه، دعای سوم، ۱۰).
۹. تضرع و انابه: در حالی که برای تو فروتنی کرده و خم گشته، و سر به زیر افکنده و کج شده، و ترس پاهایش را به لرزه انداخته، و بسیاری اشک گونه‌هایش را غرق نموده، تو را می‌خواند^۷ (صحیفه سجادیه، دعای نهم، ۱۲).
۱۰. شکایت به سوی خداوند: ای خدای من! ای پروردگار من و سید و مولای من! از کدامین سختی‌های امورم به سویت شکایت کنم و از کدام یک به درگاہ بنالم و گریه کنم^۸ (قمی، ۱۳۸۴: ۱۱۸، دعای کمیل).
۱۱. اعتراض به خداوند: کجا است رحمت واسعه تو؟ کجا است عطاهاى نیکوی تو؟ کجا است موهبت‌های گوارا و مرحمت‌های پُربهای تو^۹ (همان: ۳۴۷، دعای ابوحمزه).
۱۲. تغزل و عشق‌ورزی با خداوند: در آن حال، گیرم که بر آتش عذاب تو ای خدای من و سید و مولای من و پروردگار من صبوری کنم، چگونه بر فراق تو صبر توانم کرد؟^{۱۰} (همان: ۱۱۸، دعای کمیل).
۱۳. ناامیدی از دیگران: بارخدا! ناامید مکن کسی را که جز تو بخشنده‌ای نمی‌یابد، و خوار مکن کسی را که از تو به کسی جز تو بی‌نیاز نمی‌گردد^{۱۱} (صحیفه سجادیه، دعای شانزدهم، ۱۶).
۱۴. استعاذه: پناه می‌برم به تو از خشم و نزول عذابت (قمی، ۱۳۸۴: ۲۸۹، مناجات شعبانیه).

درون‌مایه‌های دعا در مسیحیت

در سال‌های اخیر، این حقیقت از نو کشف شده است که الاهی‌دانان مسیحی به عبادت و دعا می‌پردازند و این دعا و عبادت، تأملات الاهیاتی آنان را شکل می‌دهد. عبارت معروف lex orandi lex credendi که تقریباً می‌توان آن را چنین ترجمه کرد: «شیوه عبادت، آنچه را بدان اعتقاد داری تعیین می‌کند» این حقیقت را بیان می‌کند که الاهیات و عبادت با یکدیگر تعامل دارند. اعتقادات مسیحیان، شیوه دعا و عبادت آنها را تحت

تأثیر قرار می‌دهد و چگونگی عبادت و دعای مسیحیان بر اعتقادات آنان تأثیر می‌گذارد. برای نمونه، دو مناقشه در کلیسای اولیه، با محوریت آیین گنوسی و آیین آریوسی، اهمیت این نکته را به خوبی روشن می‌کند. گنوسی‌ها معتقد بودند ماده، ذاتاً شر است و ایرنائوس در رد این دیدگاه به این حقیقت اشاره کرد که در شعائر مسیحی نان، شراب و آب به کار می‌رود. وقتی آنها چنین جایگاه برجسته‌ای در عبادت مسیحی دارند چگونه ممکن است شر باشند؟! (مک‌گراث، ۱۳۸۴: ۳۶۳/۱). به روایت کتاب مقدس نیز شخصی که دعا می‌کند در ذهن خود همواره این اعتقادات را به همراه دارد:

اول: اطمینان به حضور خداوند؛ دعاها سرشار از حس اطمینان به حضور خداوند است. زیرا خداوند قبلاً به سوی ما آمده است. بدین صورت دعا در باب ایجاد ارتباط با خدا نیست، بلکه در باب خوشامدگویی به خدا است که قبلاً حضور داشته و فقط منتظر فرصتی است تا در زندگی من وارد شود: «اینک بر در ایستاده، می‌گویم اگر کسی آواز من را بشنود و در را باز کند به نزد او درخواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من» (مکاشفه ۳: ۲۰).

دوم: دعاها برای انسان آشکار می‌کنند که همه چیز موهبتی از جانب خدا است، مانند دوستان، شادی‌ها، غذا و نوشیدنی‌ها، محبت، زیبایی و همه زندگی حتی لحظه‌های درد و رنج. دعا مختص بخش خاصی از زندگی ما نیست، بلکه بخشی از رابطه دوستی است. لذا بر همه آنچه انجام می‌دهیم و دادیم تأثیر می‌گذارد (Foster, 1999: x). دعای مسیحی نوعی رابطه پیمانی بین خدا و انسان در مسیح است و دعا عمل خدا و انسان است که از روح القدس و از خود ما نشئت می‌گیرد و کاملاً معطوف به پدر است و در اتحاد با اراده بشری پسر خدا است، که بیانگر پیوند دعا با تثلیث است. از منظری دیگر نیز می‌توان به پیوند ایمان و ارتباط با خدا توجه داشت. دعا باید با ایمان و محبت همراه باشد. انسان باید در ارتباط خود با خدا همچون فرزندی برای پدر باشد و با ایمان به مسیح دعا کند و محبت او را در دل داشته باشد. دعای ربانی و بقیه آموزه‌های عیسی مؤید این مسئله هستند. این درست است که خداوند دعای همه افراد را می‌شنود، و به همه مردم نعمت‌های بسیار بخشیده است، اما کسی که معتقد باشد مسیح فرزند او نیست، نمی‌تواند به مثابه پدر با خدا دعا کند. بی‌میلی آشکار عیسی در جواب‌دادن به خواسته زن کنعانی بیانگر این است که ایمان در دعا و ارتباط مناسب با خدا مهم است (Bromiley, 1986: 937; مرقس ۱۱: ۲۲، ۲۴). عیسی با گفتن این کلمه آغاز می‌کند: «به خدا

ایمان داشته باشید». ایمان به مسیح و محبت به او باعث می‌شود طبق اناجیل، ما، فرزندان خدا شویم. از این‌رو چون خدا (پدر) ما را دوست دارد و مسیح در درون ما با ایمان به او حضور پیدا می‌کند، دعاهای ما به اجابت می‌رسد (Lacoste, 2005: 1265). از این‌رو حیات دعا عبارت است از عادت به حضور در پیشگاه خدای سه‌گانه مقدس و پیوند با او. این پیوند در زندگی همیشه ممکن است. زیرا ما به واسطه تعمید، با مسیح متحد شده‌ایم. دعای مسیحی از آن حیث که پیوند با مسیح است، در سراسر کلیسا که جسم او است تداوم دارد و ابعاد آن، ابعاد محبت مسیح است (تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳: ۶۴۳). از سوی دیگر، در کتاب مقدس دعا به مثابه عمل درونی روح‌القدس معرفی شده است. در انجیل یوحنا، از روح‌القدس با عنوان تسلاًبخش ذکر شده که همراه با مؤمنان است و هر چه عیسی به حواریون تعلیم داده است، به یاد آنها خواهد آورد. در رساله رومیان نیز روح‌القدس این‌گونه معرفی می‌شود: «او در درون ما است و به ما کمک می‌کند تا ناله‌هایی که نمی‌توانیم بیان کنیم با گفتن abba همانند عیسی با خدای پدر رابطه صمیمانه برقرار کنیم» (Lacoste, 2005: 126).

انسان‌شناسی و رستگاری و پیوند آن با دعا

بر اساس سفر پیدایش، انسان شبیه خدا خلق شد. اگرچه کتاب مقدس دوباره از این مطلب به‌ندرت یاد می‌کند اما مفهوم انسان به مثابه صورت خدا به‌سرعت بر اندیشه مسیحیت غالب آمده است. از این‌رو با این اندیشه، ارتباط و گفت‌وگو با خداوند در دعا بدیهی و مسلم است. این مفهوم و تصور از انسان در درک مسیحیان از گناه نخستین نیز نقشی محوری دارد (Lacoste, 2005: 1265). «خداوند با عمل خلقت، همه موجودات را از عدم به وجود آورد. انسان در حالی که تاج جلال و کرامت بر سر نهاده، پس از فرشتگان می‌تواند نام خداوند را در تمامی زمین تجلیل کند. انسان حتی بعد از اینکه با گناه خود شباهت خود را به خدا از دست داد، به صورت خالق خود باقی می‌ماند و تمایل خود را به او حفظ می‌کند. همه ادیان بر این امر که انسان اساساً به دنبال خدا است گواهی می‌دهند» (تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳: ۶۳۳). انسان که به صورت خدا است، در نتیجه گناه آدم و هبوط او آسیب دیده است. از این‌رو ارتباط با خدا که باید بدیهی باشد با مشکل روبه‌رو شده است. پس همان‌گونه که بازگشت به خویشتن دشوار است دعا و ارتباط با خدا نیز دشوار است.

بنابراین، بر اساس کتاب مقدس، دعا صرفاً فعالیتی بشری و یک‌جانبه نیست، بلکه گفت‌وگویی شخصی با خداوند حیّ و راستین است. خدا آغازگر دعا است و در ما انگیزه ایجاد می‌کند تا آنچه را خوشایند او است بخواهیم و انجام دهیم (فیلیپیان ۲: ۱۲ و ۱۳). به همین طریق، هدف دعا کردن صرفاً به ارمغان آوردن نیکی و خوبی برای مردم نیست، بلکه تجلیل و احترام خدا را نیز به همراه دارد. این را از عبارات عیسی و وعده او در کتاب مقدس می‌توان دریافت، که فرموده است: «اگر شما قبل از هر چیز، به ملکوت و عدالت خدا دل ببندید، او همه نیازهای شما را برآورده خواهد ساخت» (تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳: ۶۳۴).

با نگاهی به ادبیات دعایی اسلام و مسیحیت می‌توان به این مسئله اشاره کرد که دعا و الاهیات پیوندی ناگسستنی دارند و مفاهیم و باورهای چون خداشناسی و انسان‌شناسی در اقدام فرد به دعا و چگونگی و زبان دعایی او تأثیری چشمگیر دارد. از سوی دیگر، دعا فعالیت مذهبی بنیادینی است و ماهیت آن ارتباط و گفت‌وگو با خداوند است. این ارتباط ممکن است کلامی یا غیرکلامی باشد. لذا دعا ارتباط انسان با امری مقدس یا گفت‌وگویی درونی با خداوند تعریف می‌شود.

مهم‌ترین مضامین دعا‌های مسیحی

۱. ستایش: ملکوت و قوت و جلال تا ابدالابد از آن تو است (دعای ربّانی).
۲. تقدیس: ای پدر ما که در آسمانی! نام تو مقدس باد (دعای ربّانی، عبارت اول).
۳. تنزیه و پیراسته‌داری: ای یهوه در میان خدایان مثل تو نیست و کاری مثل کارهای تو نمی (مزامیر ۸۶: ۸).
۴. سپاس‌گزاری: از اینکه مرا آفریده و مسیحی نموده، در این شب نگره‌داری کرده‌ای سپاس‌گزارم (دعای صبح).
۵. اعتراف: زیرا گناهانم از سرم گذشته است. مثل بار گران از طاقتم سنگین‌تر شده (مزامیر ۳۸: ۴).
۶. طلب آمرزش: ای یهوه به خاطر اسم خود گناه مرا بیامرزم. زیرا که بزرگ است (مزامیر ۲۵: ۱۱).
۷. درخواست‌ها: ای یهوه! آواز مرا بشنو و گوش‌های تو به آواز تضرع من ملتفت شود (مزامیر ۱۳۰: ۲).

۸. شکایت: از آواز دشمن و به سبب ظلم شریر؛ زیرا که ظلم بر من می‌اندازند و با خشم بر من جفا می‌کنند (مزامیر ۵۵: ۳).
۹. اعتراض: چرا دست خود یعنی دست راست خویش را برگردانیدی؟ آن را از گریبان خود بیرون کشیده ایشان را فانی کن (مزامیر ۷۴: ۱۱).
۱۰. استعاذه (پناه‌بردن به خدا): *يَهُوهَ صخره من است و ملجأ و نجات‌دهنده من. خدایم صخره من است که در او پناه می‌برم. سپر من و شاخ نجاتم و قلعه بلند من. يَهُوهَ را که سزاوار کل حمد است خواهم خواند. پس از دشمنانم رهایی خواهم یافت (مزامیر ۳ و ۲: ۱۸).*
۱۱. تضرع و زاری: به خود می‌پیچم و بی‌نهایت منحنی شده‌ام. تمامی روز ماتم‌کنان تردد می‌کنم (مزامیر ۳۸: ۶).
۱۲. عشق‌ورزی: خدایا تو را می‌پرستم و از جان و دل دوست می‌دارم (دعای صبح).

دعا: گفت‌وگویی صمیمانه با خدا

چگونگی تعامل انسان با خدا از ابتدایی‌ترین آموزه‌های ادیان به شمار می‌آید و این آموزه‌ای است که سهم شایانی از متون دینی مختلف را به خود اختصاص داده و اساس دیانت ادیان را تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای که می‌توان گفت:

اساساً دیانت موضوع رابطه‌ای است بین انسان و خدا. آموزه‌های دیگر ادیان کوشش می‌کنند تا تصویری رساتر از این ارتباط را بیان کنند. گذشته از این، اساس دین‌ورزی آدمیان در گرو برداشتی است که از تعامل خود و خدا دارند. به سبب همین اختلاف و تفاوت این تصاویر، دین‌ورزی‌ها هم متفاوت‌اند. جمله معروف پاسکال که بر پارچه‌ای نگاشته و بر نیم‌تنه خود دوخته بود و تا آخرین لحظه‌های عمر خود به همراه داشت به‌روشنی به این تفاوت‌تصویرها اشاره دارد. وی در آن نوشته چنین نگاشته بود: «ما در زیر عنوان آتش چنین می‌خوانیم: خدای ابراهیم، خدای اسحاق، خدای یعقوب نه خدای فلاسفه و محققان» (صادق‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۱۸).

توجه به مضامین بیان‌شده در بالا نشان می‌دهد مهم‌ترین کارکرد دعا در اسلام و مسیحیت تغییر رابطه انسان و خدا از پیوند خشک و سرد کلامی و

فلسفی به رابطه‌ای صمیمانه و عاطفی است. دعا زبان دوستی ما با خداوند است. همواره سخن گفتن با هر فردی، معنایی بیش از واژگان در بر دارد. واژگان دربردارنده معنای ذهن، اندیشه، احساسات و تمایلات و بازتاب امیدها و آرزوهایمان هستند (Foster, 1999: 1). دعا شکلی از گفت‌وگوی انسان است که زبان آن با دیگر زبان‌ها متفاوت است، فقط به این دلیل که این گفت‌وگو خطاب به خدا است. ممکن است از دیگر افراد نیز درخواست یا تقاضای بخشایش کنیم و حتی شاید واژگانی مشابه آن را به کار ببریم، اما کاملاً با دعاکردن متفاوت است (Spear, 2002: 29, 30). درخواست یا تقاضایی که از انسان‌ها می‌شود وابسته به شرایط زمانی و مکانی است تا شنیده شود و پاسخ به آن نیز فقط با امکاناتی چون صدا، نامه و ... به ما می‌رسد. به علاوه، زبان با محدودیت همراه است. دعا برای خدا متفاوت است؛ چراکه از چنین محدودیت‌هایی مبرا است. علم بی‌نهایت خداوند او را قادر می‌سازد تا بشنود و درک کند و مهم نیست که ما به چه زبانی سخن می‌گوییم یا در چه اوضاع و احوالی دعا می‌خوانیم. از این رو با توجه به اهمیت تعامل و ارتباط با خدا در ادیان چگونگی این تعامل نقش مهمی در آموزه‌های هر دین دارد.

استفاده از واژه «گفت‌وگو» برای توصیف دعا ممکن است برای برخی واژه‌های جسورانه و برای دیگری واژه‌ای بی‌روح به نظر برسد، اما برای بسیاری این واژه بیانگر این مسئله است که گفت‌وگو با خداوند قادر متعال ممکن است. همه ما اغلب در دعا گفت‌وگو نمی‌کنیم بلکه فقط خود سخن می‌گوییم و واژگانی را ادا می‌کنیم. ما در دعا، خدا را ستایش می‌کنیم، او را سپاس می‌گوییم، درباره نگرانی‌ها و اوضاع جهان با او سخن می‌گوییم، از او راهنمایی می‌خواهیم و نیازهای خود را به او عرضه می‌کنیم، درست مانند گفت‌وگویی تلفنی که در آن شخص بی‌وقفه و بدون اندکی مکث حتی برای یک لحظه، صحبت می‌کند و قبل از اینکه طرف مقابل بتواند پاسخی دهد به مکالمه پایان می‌دهد. ما به گونه‌ای دعا می‌کنیم که گویا خداوند چیزی نمی‌داند و ما با دعا به او آگاهی می‌دهیم!

آیا به‌راستی ارتباط با خدا در قالب دعا یک‌سویه است؟ و فقط انسان در آن سخن می‌گوید؟

در ابتدا باید توجه داشت که خداوند گفت‌وگو را آغاز می‌کند و ما را به گفت‌وگو

فرا می‌خواند. پس دعاکردن پاسخی به دعوت خداوند است. نکته دیگر اینکه قرائت کتاب مقدس و قرآن در دعا و ایجاد گفت‌وگویی عمیق و مؤثر با خداوند ضروری است؛ چراکه این متون مقدس بیانگر وعده‌های خداوند و نقل‌قول‌های مستقیم از طرف او است. این عبارات از متون مقدس گام به گام ما را به سمت گفت‌وگویی موفق با خداوند سوق می‌دهد و با خواندن و اندیشیدن در باب سخنان خدا، شور و اشتیاق و محبتش در قلب‌های ما برانگیخته می‌شود و به ما کمک می‌کند تا با اعتمادی راسخ از نیازمندی‌های خود با خدا سخن بگوییم و پذیرای راهنمایی او باشیم. لذا دعا ارتباط و گفت‌وگویی صمیمانه و دوسویه است. ارتباط صمیمانه در دعاها آشکار و بارز است، چنانچه در هر دو دین در قالب دعا، خداوند را «تو» خطاب می‌کند و با او به گفت‌وگو می‌پردازد. این گفت‌وگو در قالب ستایش، اعتراف، درخواست، عشق‌ورزی و ... صورت می‌گیرد. گاه فرد به خدا از دیگران و چیزهایی که خاطرش را آشفته کرده و موجب نافرمانی او شده، شکایت می‌کند، یا از احساس تنهایی و بی‌توجهی او به خویش می‌نالند و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای او را خطاب قرار می‌دهد و سخن گفتن را با او می‌آغازد. مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین شباهت متون دعایی در اسلام و مسیحیت همین مسئله است که به ما می‌آموزند که چگونه به وسیله دعا ارتباطی مستقیم، متقابل و صمیمانه با خداوند داشته باشیم.

نتیجه

با توجه به معنای لغوی دعا، دعا چیزی فراتر از خواستن است و ماهیت آن گفت‌وگو است، تا جایی که می‌توان گفت مهم‌ترین کارکرد دعا در اسلام و مسیحیت تغییر رابطه انسان و خدا از پیوند خشک و سرد کلامی و فلسفی به رابطه‌ای صمیمانه و عاطفی است. برای تبیین حقیقت ارتباط بین خدا و انسان می‌توان از نظریه ارتباطی بوهر استفاده کرد. وی دو نوع ارتباط را معرفی می‌کند ارتباط «من - تو» که ارتباطی شخص‌وار است و ارتباطی «من - آن» که ارتباطی ناشخص‌وار است. از دیدگاه بوهر، ارتباط «من - تو» متقابل، دوسویه، متقارن و بی‌واسطه است و شناخت در این نوع ارتباط، مستقیم و بلاواسطه است. من وارد ارتباط مستقیمی با تو می‌شوم و این ارتباط بی‌واسطه است و هیچ مفهومی میان من و تو واسطه نمی‌شود. بنابراین، از دیدگاه بوهر، خدا آن «تویی» است که هیچ‌گاه نمی‌تواند به «آن» تبدیل شود. از این رو، از دیدگاه وی،

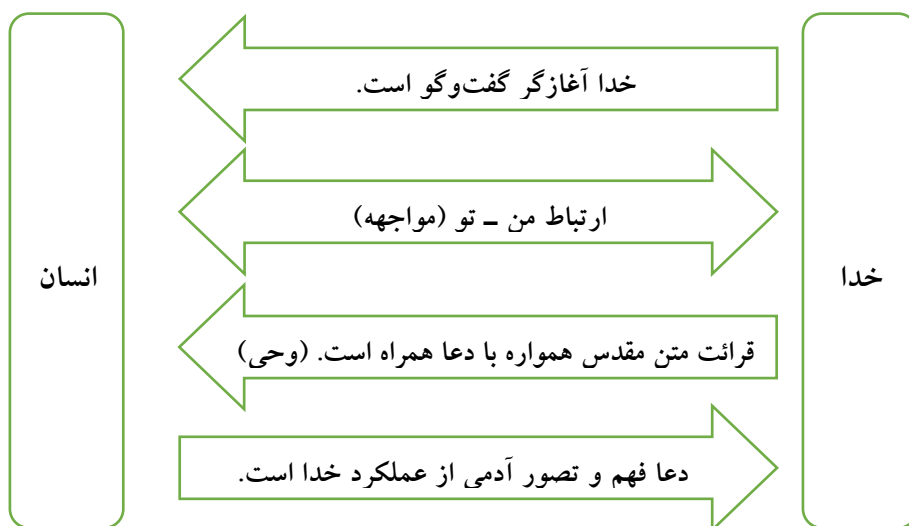
واژگان فقط نقش اشارات نارسایی را بازی می‌کنند که به وصف‌ناپذیری خداوند معطوف است. خداوند نمی‌تواند اصطلاحی عقیدتی، مفهومی مابعدالطبیعی یا اشاره‌ای آیینی باشد (بوبر، ۱۳۸۰: ۹-۱۲). این شعر از بوبر به خوبی مؤید دیدگاه او درباره خداوند است:

هنگامی که تو در آستان من ظاهر می‌شوی
چرا دست‌آویختن به تو این چنین پُرغوغا است؟
چرا این همه پیش‌کش‌های بیهوده؟! ...
ماه جدید و ضیافت‌های آنچنانی شما را روح من منفور می‌دارد و ...
از تحمل آنها خسته‌ام (همان: ۹).

از نظر او، همه آموزه‌ها و فرمان‌ها و تشریفات در قلمرو رابطه «من - آن» قرار می‌گیرد و فقط وحی و الهامات شخصی در زمره رابطه «من - تو» قرار می‌گیرد. هر کس کلام خدا را به زبان می‌راند و مخاطب او خداوند است، صرف نظر از آنچه ممکن است تصور او را متوهم کند «تو»ی زندگانی خویش را مخاطب قرار داده است؛ تویی که هیچ توی دیگری مفهوم آن را محدود نمی‌کند و در عین حال این «تو» در موضعی قرار گرفته که همه «تو»های دیگر را در بر می‌گیرد.

در دعا انسان، خود، خویشستن است و اتکای خویشستن را آزادانه آشکار می‌سازد. از این رو عنصر اصلی در رابطه با خداوند از دیدگاه بوبر در احساسی جست‌وجو می‌شود که احساس اتکا، و اخیراً، به عبارت دقیق‌تر، احساس مخلوق‌بودن نامیده می‌شود.

ارتباط موفق با خداوند باید از نوع ارتباط من و تویی باشد، همان‌گونه که مارتین بوبر این ارتباط را به خوبی شرح می‌دهد و ماهیت دعا همین ارتباط و گفت‌وگو با خداوند است و اگر این ارتباط صرف به زبان آوردن واژگانی بی‌روح نباشد و مواجهه و ارتباطی پویا و متقابل را در بر گیرد این گفت‌وگو به‌درستی صورت گرفته است. شکل زیر این گفت‌وگو و لوازم آن را به خوبی نشان می‌دهد (بوبر، ۱۳۸۶: ۱۲۳).



پی نوشت ها

۱. یا حَلِيمٌ يا كَرِيمٌ يا حَى يا قَيُّوْمٌ يا عَافِرُ الدَّنْبِ يا قَابِلَ التَّوْبِ يا عَظِيمَ المَنِّ يا قَدِيمَ الإِحْسَانِ.
۲. تَعَالَى ذِكْرَكَ عَنِ المَدْكُورِينَ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ عَنِ المُنْشَوِّبِينَ، وَ فَسَّتْ نِعْمَتُكَ فِي جَمِيعِ المَخْلُوقِينَ.
۳. وَ يا مَنْ لا يَبِيعُ نِعْمَهُ بِالْأَنْمَانِ.
۴. اللَّهُمَّ مَوْلَاى كَمْ مِنْ قَبِيحِ سَرْوَتِهِ وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَ كَمْ مِنْ نِئَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَسْرَتِهِ.
۵. أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَّرْتُ فِيهِ.
۶. فَاجْبُرْ فَاقْتِنَا بِوَسْعِكَ، وَ لا تَقْطَعْ رِجَاءَنَا بِمَنْعِكَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشْقَيْتَ مِنْ اسْتِسْعَادِ بِكَ، وَ حَزَمْتَ مِنْ اسْتَرْفَادِ فَضْلِكَ.
۷. قَدْ تَطَّأْتَ لَكَ فَانْحَنَى، وَ نَكَسَ رَأْسَهُ فَانْتَنَى، قَدْ أُرْعَشْتَ حَشِيئَتُهُ رَجْلِيهِ، وَ عَرَفْتُ ذُمُوعَهُ حُدَيْهِ، يَدْعُوكَ.
۸. يا إِلَهِي وَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَاى لِأَيِّ الأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو وَ لِمَا مِنْهَا أُضِجُّ وَ أَبْكِي.
۹. أَيْنَ رَحْمَتِكَ الوَاسِعَةُ أَيْنَ عَظَايَاكَ الفَاضِلَةُ أَيْنَ مَواهِبِكَ الهَيِّئَةُ أَيْنَ صَنَائِعِكَ السَّيِّئَةُ.
۱۰. رَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ.
۱۱. إِلَهِي لا تُخَيِّبْ مَنْ لا يَجِدُ مُعْطِياً غَيْرَكَ، وَ لا تُحْدِلْ مَنْ لا يَسْتَعْنِي غَنِكَ بِأَحَدٍ دُونَكَ.

منابع

- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۲۶). لسان العرب، بیروت: مؤسسة اعلمی فی المطبوعات، ج ۱.
- اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۷). «دعا و نیایش در ادیان»، در: اخبار ادیان، ش ۲۶-۲۷، ص ۵۸-۶۲.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۱). *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه: احمد آرام، تهران: انتشارات سهامی کتاب.

بخشنده، حمید (۱۳۸۶). «دعا از سه منظر»، در: *هفت آسمان*، ش ۳۶، ص ۶۷-۸۰.
بوبر، مارتین (۱۳۸۰). *کسوف خداوند*، ترجمه: عباس کاشف، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.

بوبر، مارتین (۱۳۸۶). *من و تو*، ترجمه: ابوتراب سهراب، الهام عطاردی، تهران: فرزانه روز.
تعالیم کلیسای کاتولیک (۱۳۹۳). ترجمه: احمدرضا مفتاح، حسین سلیمانی، و حسن قنبری، قم: نشر ادیان.

حلی، احمد بن فهد (۱۴۲۹). *عدة الداعی و نجاح الساعی*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، عترت.

زویمر، سموئیل (۱۳۸۷). *نیایش‌نامه: نیایش از دیدگاه اندیشمندان*، تهران: مؤسسه بشیر.
صادق‌نیا، مهرباب (۱۳۸۱). «خدای عهد عتیق»، در: *هفت آسمان*، ش ۱۵، ص ۲۱۷-۲۲۶.
طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ج ۲.
فانی، کامران؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ صدر، احمد (ویراستار) (۱۳۷۸). *دائرة المعارف تشیع*، تهران: حکمت.

فیض‌الاسلام اصفهانی، علی‌نقی (۱۳۷۶). ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، ترجمه: عبدالرحیم افشاری زنجانی، تهران: فقیه.

قائمی‌نیا، علی‌رضا (۱۳۸۶). «اعجاز شناختی قرآن کریم»، در: *ذهن*، دوره ۸، ش ۳۱، ص ۳-۳۲.
قمی، عباس (۱۳۸۴). *کلیات مفاتیح الجنان*، ترجمه: آیت‌الله کمره‌ای، تهران: آیین.
مک‌گراث، آلیستر (۱۳۸۴). *درس‌نامه الاهیات مسیحی*، ترجمه: بهروز حدادی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ج ۱.

Bowden, John (2005). *Christian Complete Guide*, London: continuum.

Bromiley, Jeffrey W. (1986). *The International Standard Bible Encyclopedia*, Michigan, v. 4.

Foster, David (1999). *The Catholic Prayer Book*, Scotland.

Hrbermann, Charls G. (1913). *The Catholic Encyclopedia*, New York: The Encyclopedia Press, v. 12.

Lacoste, Jean-Yves (2005). *Encyclopedia of Christian Theology*, New York: Covenant.

Spear, Wayne R. (2002). *Talking to God*, USA: Crown & Covenant.